پیکره
دوره ۱۵، شماره۴۳ ، بهار۱۴۰۵ صفحه ۱۷ تا۲۸

مقاله پژوهشی

نقش دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون در بازنمایی قدرت نرم در دوره صفوی

مرضیه فضل الهی دهکردی[۱]؛ محمدحسین جعفری نعیمی[۲]

۱. نویسنده مسئول، کارشناس ارشد پژوهش هنر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.
Email: 40038474@stu.yazd.ac.ir
۲. استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه یزد، یزد، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴،۷،۱۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴،۹،۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴،۱۰،۱۴

چکیده

مقدمه: در دورهٔ صفوی، هنر و معماری به‌مثابهٔ رسانه‌ای راهبردی برای بازنمایی قدرت نرم به‌کار گرفته شد. کاخ چهل‌ستون اصفهان با دیوارنگاره‌های آیینی، بزمی و رزمی، نه‌تنها روایتگر رویدادهای سیاسی و فرهنگی است، بلکه در چارچوب نظری قدرت نرم «جوزف نای»، در تثبیت مشروعیت سیاسی، تقویت جاذبهٔ فرهنگی و انتقال پیام‌های دیپلماتیک نیز نقش ایفا می‌کند. هدف این پژوهش، تحلیل شبکه‌ای از دلالت‌های بصری، فضایی و مادی در سه دیوارنگارهٔ شاخص کاخ چهل‌ستون صفوی است که در شکل‌گیری گفتمان اقتدار صفویان مؤثر بوده‌اند. پرسش اصلی پژوهش این است که این دیوارنگاره‌ها چگونه از طریق نشانه‌های آیینی، آرایش فضایی و نمادهای مادی، در چارچوب نظریهٔ قدرت نرم نای و با تمرکز بر سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، به تولید و بازنمایی قدرت نرم می‌پردازند؟

روش پژوهش: پژوهش حاضر به‌روش توصیفی- تحلیلی و با رویکرد کیفی انجام شده است. داده‌ها از طریق منابع کتابخانه‌ای، اسناد تاریخی و تصاویر آرشیوی گردآوری شده‌اند. سه دیوارنگاره شاخص، بر اساس چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای و با بهره‌گیری از تحلیل توصیفی- تفسیری عناصر بصری و فضایی، با تمرکز بر سه مؤلفهٔ فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

یافته‌ها: نتایج نشان می‌دهد مؤلفهٔ فرهنگی، از طریق تلفیق آیین‌مندی، پوشش و اشیای فاخر و عناصر موسیقایی، شکوفایی فرهنگ صفوی را به عاملی جذاب و اثرگذار بدل کرده است. در بُعد ارزش‌های سیاسی، جایگاه مرکزی شاه، صف‌آرایی منظم و ترکیب‌بندی دقیق صحنه‌ها، نوعی اقتدار نمایشی و مشروعیت فره‌مند را القا می‌کند. مؤلفهٔ سیاست خارجی نیز با تأکید بر شکوه تشریفات پذیرایی و تصویر پیروزی‌های رزمی، پیام‌هایی از اعتماد، اتحاد و بازدارندگی را منتقل ساخته و هنر تصویری را به ابزاری در خدمت دیپلماسی فرهنگی تبدیل کرده است.

نتیجه‌گیری: برآیند تعامل این سه مؤلفه (فرهنگی، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی)، الگویی هم‌افزا از قدرت نرم صفوی را آشکار می‌سازد که از طریق جاذبه فرهنگی، انسجام سیاسی و راهبردهای ارتباطی، تصویری هم‌زمان جذاب و مقتدر از حکومت صفوی در ذهن مخاطبان داخلی و خارجی تثبیت می‌کند.

کلیدواژه

دیوارنگاره، کاخ چهل‌ستون، قدرت نرم، دوره صفوی، جوزف نای

ارجاع به این مقاله: فضل الهی دهکردی، مرضیه و جعفری نعیمی، محمدحسین. (۱۴۰۵). نقش دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون در بازنمایی قدرت نرم در دوره صفوی. پیکره، ۱۵(۴۳)، ۱۷-۲۸.
DOI: https://doi.org/10.22055/pyk.2026.20495

©2026 by the Authours.This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license)
https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0

مقدمه و بیان مسئله

صفویان با تلفیق اقتدار مذهبی، شکوه هنری و مدیریت منسجم منابع، الگویی تاریخی از پیوند فرهنگ و سیاست در فرآیند مشروعیت‌بخشی قدرت ایجاد کردند؛ الگویی که در تاریخ هنر ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کاخ چهل‌ستون، به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین فضاهای تشریفاتی و دیپلماتیک، نه صرفاً یک بنای سلطنتی، بلکه رسانه‌ای چندلایه برای انتقال پیام‌های اقتدار نمادین، رفاه و برتری فرهنگی به‌شمار می‌آید. ترکیب معماری آیینی، دیوارنگاره‌های بزمی- رزمی و اشیای فاخر، این فضا را به ابزاری مؤثر برای جذب و متقاعدسازی مخاطبان در سطح داخلی و بین‌المللی بدل کرده است؛ ابزاری که بنا بر نظریهٔ قدرت نرم جوزف نای، توانست ترجیحات مخاطبان را بدون اعمال اجبار شکل دهد. بخش عمدهٔ مطالعات پیشین دربارهٔ چهل‌ستون، بر توصیف زیبایی‌شناختی آثار یا بازخوانی رویدادهای تاریخی متمرکز بوده و به‌ندرت به آن‌ها به‌مثابهٔ راهبردی فرهنگی- سیاسی در چارچوب نظریهٔ قدرت نرم پرداخته‌اند. به‌ویژه، نقش هم‌افزای نشانه‌های آیینی، سازمان فضایی و اشیای مادی در تولید گفتمان مشروعیت و دیپلماسی فرهنگی صفوی، تاکنون در قالب مدلی یکپارچه واکاوی نشده است. در نبود چنین رویکرد تلفیقی، بازخوانی دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون بر پایهٔ سه منبع قدرت نرم از منظر نای -فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی- به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای نظم‌بخشی شواهد بصری و مفهومی، ضرورتی علمی می‌یابد. در این پژوهش، نظریهٔ قدرت نرم نای صرفاً به‌عنوان ابزاری مفهومی برای فهم کارکردهای فرهنگی، سیاسی و ارتباطی هنر صفوی به‌کار رفته است. چنین رویکردی می‌تواند سازوکارهای ظریف هنر در جذب، مشروعیت‌بخشی و بازنمایی اقتدار را آشکار سازد؛ سازوکارهایی که فهم آن‌ها برای تاریخ هنر و مطالعات سیاست فرهنگی اهمیت بنیادین دارد. پرسش اصلی پژوهش این است که دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون صفوی چگونه، از طریق نشانه‌های آیینی، آرایش فضایی و نمادهای مادی، در چارچوب نظری قدرت نرم نای و با تمرکز بر سه منبع فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، به تولید و بازنمایی قدرت نرم می‌پردازند؟ هدف این تحقیق، شناسایی و تحلیل شبکه‌ای از دلالت‌های بصری، فضایی و مادی در سه دیوارنگارهٔ شاخص کاخ چهل‌ستون صفوی است که در تعامل با یکدیگر، گفتمان اقتدار صفویان را شکل داده و به‌مثابه الگویی تاریخی از پیوند راهبردی هنر و سیاست عمل کرده‌اند.

روش پژوهش

این پژوهش با روش توصیفی- تحلیلی و رویکرد کیفی انجام‌شده است. داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع نظری، اسناد تاریخی و تصاویر آرشیوی دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون گردآوری شده‌اند. جامعهٔ آماری تحقیق شامل کلیهٔ دیوارنگاره‌های موجود در کاخ چهل‌ستون اصفهان متعلق به‌دوره صفوی است که در منابع تصویری و آرشیوی در دسترس قرار دارند. نمونهٔ آماری به‌صورت هدفمند و بر اساس معیارهایی همچون اهمیت تاریخی- سیاسی، ارتباط مستقیم موضوع با مؤلفه‌های قدرت نرم و میزان کیفیت حفظ و خوانایی بصری انتخاب شده است. بر این اساس، سه دیوارنگارهٔ شاخص شامل «پذیرایی شاه‌تهماسب از همایون، پادشاه هند»، «پذیرایی شاه‌عباس دوم از ندر محمدخان، پادشاه ترکستان» و «نبرد مرو میان شاه اسماعیل اول و شیبک‌خان ازبک» به‌عنوان نمونه‌های مورد مطالعه برگزیده شده‌اند. تحلیل دیوارنگاره‌ها در این پژوهش با تکیه بر چارچوب نظری قدرت نرم جوزف نای صورت گرفته است. در این فرآیند، ابتدا هر اثر از طریق توصیف دقیق عناصر بصری و

ترکیب‌بندی فضایی آن، ازجمله جایگاه شاه، شیوه صف‌آرایی پیکره‌ها، اشیای تشریفاتی و ارتباط میان معماری و رویداد بررسی شده است. سپس کارکرد فرهنگی، سیاسی و دیپلماتیک این عناصر بر اساس شواهد تاریخی و متون دورهٔ صفوی تفسیر شده و یافته‌ها در چارچوب سه منبع قدرت نرم نای، یعنی فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی، سازماندهی شده‌اند(Nye, 2004, 11). بدین ترتیب، روش پژوهش بر تحلیل محتوای بصری و فضایی استوار بوده و از نظریهٔ قدرت نرم نای برای طبقه‌بندی و تبیین جایگاه هر یک از عناصر در بازنمایی اقتدار، مشروعیت و جاذبه فرهنگی عصر صفوی بهره گرفته شده است.

پیشینه پژوهش

ازجمله مقالات مرتبط با این پژوهش می‌توان به مطالعهٔ «نوری و همکاران» (۱۴۰۲) با عنوان «شناسایی مؤلفه‌های اعمال قدرت در نگاره‌های باغی دورهٔ صفوی» اشاره کرد. نویسندگان با رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف به بررسی عناصر بصری و فضایی باغ به‌مثابه ابزار بازنمایی اقتدار مرکزی پرداخته و جایگاه حاکم، ترکیب‌بندی فضایی و نشانه‌های فرهنگی- سیاسی را تحلیل کرده‌اند. «معاذالهی و صابر» (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «واکاوی مضامین پنهان مجالس بزم در دیوارنگاره‌های کوچک تالار مرکزی کاخ چهل‌ستون»، با روش توصیفی- تحلیلی نشان داده‌اند که حذف عناصر معماری و موسیقی و تأکید بر ظروف مصرف، بازتابی از گفتمان اقتصادی- سیاسی صفویان و مفهوم مصرف انحصاری است. همچنین «مهدی‌پور و سهیلی» (۱۴۰۱) در مقالهٔ «تحلیل روابط اجتماعی در معماری دیپلماتیک دورهٔ صفویه بر اساس رویکرد نحو فضا؛ مطالعه موردی: کاخ چهل‌ستون شهر اصفهان»، با بهره‌گیری از روش نحو فضا، همبستگی میان سازماندهی فضایی تالارها، میزان نفوذپذیری، شفافیت و عمق فضا را با کارکردهای اجتماعی و سیاسی آن‌ها بررسی کرده‌اند. «بابایی» در مقاله‌ای با عنوان «شاه عباس دوم، فتح قندهار، چهل‌ستون و دیوارنگاره‌های آن» (۱۹۹۴)، به تحلیل نقاشی‌های دیواری کاخ چهل‌ستون اصفهان پرداخته و این آثار را در ارتباط با واقعهٔ فتح قندهار و کارکرد سیاسی- تشریفاتی تالار پذیرایی کاخ بررسی کرده است. او با تأکید بر تمایز میان سبک سنتی نگاره‌های کوچک (ویژه مجالس بزم و موضوعات ادبی) و سبک اروپایی‌گرای نگاره‌های بزرگ (نمایانگر رویدادهای تاریخی و نبردها)، نشان می‌دهد که جایگاه این صحنه‌های تاریخی در طرح کلی تزیینات بنا، بر اساس یک برنامه هدفمند برای نمایش قدرت و روابط خارجی صفویان تعیین شده است. «کنبی» نیز در کتاب «شاه عباس: بازسازی ایران» (۲۰۰۹)، با تمرکز بر هنرهای درباری، شهرسازی اصفهان و فرهنگ بصری دورهٔ شاه‌عباس اول، نشان می‌دهد که چگونه معماری، نقاشی، اشیای فاخر و آیین‌های تشریفاتی دولت صفوی حامل تصویری سیاسی و فرهنگی برای مخاطبان خارجی بوده‌اند. پژوهش‌هایی نیز به کاربست نظریهٔ قدرت نرم در حوزه هنر و میراث فرهنگی پرداخته‌اند. برای نمونه «هوگورتس» در مقاله‌ای با عنوان «موزه‌ها، تبادلات و سهم آن‌ها در مفهوم قدرت نرم جوزف نای» (۲۰۱۶)، نقش موزه‌ها را به‌عنوان «مؤسسات حافظه» در دیپلماسی فرهنگی بررسی کرده است. او با تحلیل مطالعات موردی از جمله تبادل منشور کوروش میان ایران و موزه بریتانیا، نشان می‌دهد که چگونه نمایش آثار تاریخی و هنری می‌تواند بدون نیاز به ابزارهای اجبار، فضایی برای احترام متقابل و گشودن درهای دیپلماتیک ایجاد کند. همچنین «المحناوی و رضاوا» در پژوهش «هنرهای بصری به‌عنوان یک قدرت نرم مؤثر در شکل‌دهی مفاهیم صلح و همزیستی» (۲۰۲۳)، با تکیه بر چارچوب نظری نای، استدلال می‌کنند که هنرهای بصری (نظیر سینما و تئاتر) ابزارهایی راهبردی برای نفوذ در ناخودآگاه مخاطب و شکل‌دهی به مفاهیم صلح و همزیستی هستند که می‌توانند جایگزینی برای قدرت سخت باشند. این مطالعات

اگرچه بر دوران مدرن یا رسانه‌های جدیدتر تمرکز دارند، اما ظرفیت عظیم هنرهای بصری را در چارچوب‌بندی نظریه قدرت نرم تأیید می‌کنند. با وجود این مطالعات، تاکنون پژوهش مستقلی که به‌طور مشخص دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون را در چارچوب نظریهٔ قدرت نرم جوزف نای و با تمرکز بر تحلیل دقیق عناصر بصری و سازماندهی فضایی صحنه‌ها بررسی کند، انجام نشده است. ضرورت انجام این پژوهش از دو منظر قابل تبیین است: نخست، بازخوانی میراث بصری صفویان در پرتو نظریهٔ قدرت نرم جوزف نای که امکان مقایسهٔ تاریخی و فهم سازوکارهای غیرنظامی نفوذ قدرت را فراهم می‌کند؛ دوم، اهمیت کاخ چهل‌ستون به‌عنوان نمونه‌ای شاخص از تعامل هنر، معماری و سیاست که مطالعهٔ آن می‌تواند به توسعهٔ رهیافت‌های بین‌رشته‌ای در تاریخ هنر و مطالعات فرهنگی منجر شود. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از تحلیل توصیفی- تفسیری عناصر بصری و تحلیل فضایی، می‌کوشد الگویی از چگونگی بهره‌گیری صفویان از ظرفیت‌های فرهنگی- هنری در تثبیت و گسترش قدرت نرم ارائه دهد.

چارچوب نظری

جوزف اس. نای، نظریه‌پرداز برجسته روابط بین‌الملل، بنیان‌گذار مفهومی است که به‌صورت منسجم به‌منابع غیرمادی قدرت می‌پردازد و نخستین مدل عملیاتی را برای فهم سازوکارهای فرهنگی، ارزشی و نمادین نفوذ سیاسی ارائه می‌دهد. در ادبیات روابط بین‌الملل، اگرچه نظریه‌پردازان دیگری نیز به نقش فرهنگ و نمادها در قدرت توجه کرده‌اند، اما رویکرد آنان بیشتر گفتمانی یا ساختاری است. برتری رویکرد نای در این است که منابع قدرت نرم را به سه دسته متمایز -فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی- تفکیک کرده و امکان تبدیل آن‌ها به شاخص‌های قابل تحلیل در زمینه‌های تاریخی و بصری را فراهم می‌کند. بنابراین، برای مطالعه دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون که علاوه بر لایه‌های فرهنگی و هنری، حامل پیام‌های مشروعیت‌بخش سیاسی و دیپلماتیک نیز هستند، نظریهٔ نای چارچوبی کارآمد، دقیق و قابل اجرا فراهم می‌کند. «جوزف نای» مفهوم «قدرت نرم» را به‌عنوان توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران تعریف می‌کند، بدون آنکه به اجبار یا تهدید متوسل شود (Nye, 2004, 5). به تعبیر او، قدرت سخت از توان نظامی یا اقتصادی برای وادار کردن دیگران به کاری که در حالت عادی انجام نمی‌دادند سرچشمه می‌گیرد، در حالی که قدرت نرم از جذابیت و مشروعیت ناشی می‌شود (Nye, 2004, 2 & 11). «نای» تصریح می‌کند که قدرت نرم بر سه منبع اصلی استوار است: فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی. فرهنگ زمانی به منبع قدرت نرم تبدیل می‌شود که برای دیگران الهام‌بخش باشد یا با دیده تحسین نگریسته شود؛ این جاذبه می‌تواند از هنر، میراث تاریخی، ادبیات و نمادهای فرهنگی برخاسته و تصویری مثبت از هویت ملی ارائه کند. ارزش‌های سیاسی نیز آنگاه مؤثر خواهند بود که نه‌تنها در داخل کشور تحقق یابند، بلکه در خارج از مرزها نیز معتبر شناخته شوند؛ بدین معنا که ادعاها و استانداردهای سیاسی یک ملت باید با رفتار و ساختار داخلی آن همخوان باشد تا اعتماد بین‌المللی ایجاد شود(Nye, 2004, 11). مؤلفه سوم، سیاست خارجی است و هنگامی قدرت نرم تولید می‌کند که مشروع و اخلاق‌مدار تلقی شود؛ اقداماتی که صلح، همکاری چندجانبه یا کمک‌های بشردوستانه را ترویج می‌کنند، نمونه‌هایی از این مشروعیت هستند. به باور نای، این منابع تنها زمانی مؤثر واقع می‌شوند که پیام‌های مثبت آن‌ها در کنش‌ها و رفتار واقعی کشور نمایان شود (Nye, 2004, 14-15). او تأکید می‌کند که در جهان به‌هم‌پیوسته امروز، کشوری که هوشمندانه از این سه رکن بهره گیرد، می‌تواند اعتماد، نفوذ پایدار و جایگاه برتر خود را در نظام بین‌الملل تثبیت کند. بدیهی است که نظریهٔ قدرت نرم جوزف نای متعلق به‌عصر ارتباطات جهانی و روابط بین‌الملل مدرن است و نباید به‌صورت مستقیم

به‌دوره‌های پیشامدرن تعمیم داده شود. در این پژوهش، این نظریه تنها به‌عنوان چارچوبی مفهومی برای نظم‌بخشی به شواهد بصری و بازخوانی پیام‌های فرهنگی- سیاسی موجود در دیوارنگاره‌ها به‌کار گرفته شده است. از این منظر، مفاهیم سه‌گانهٔ نای -فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی- فرصت تحلیلی فراهم می‌کنند تا کارکردهای نمادین و دیپلماتیک دیوارنگاره‌ها در قالبی قابل‌مقایسه و نظام‌مند بررسی شوند. با این توضیحات می‌توان گفت در عصر صفوی، این عناصر به‌وضوح در سیاست فرهنگی و هنری حاکمان نمود یافته است. کاخ چهل‌ستون، با دیوارنگاره‌های آیینی و تاریخی خود، نه‌تنها جلوه‌ای از هنر فاخر ایرانی را به نمایش می‌گذارد، بلکه به‌مثابه ابزاری نمادین در دیپلماسی عمل کرده و پیام مشروعیت مذهبی، شکوه سلطنت و رفاه اقتصادی را به سفیران و مهمانان خارجی منتقل می‌کند. این امر مطابق با منطق نای، مصداقی از ایجاد «جاذبه» و ارتقا تصویر بین‌المللی از طریق نمادهای فرهنگی است (Nye, 2004, 6). دیپلماسی فرهنگی عبارت است از «به‌کار گرفتن هنر دیپلماسی به‌منظور ترویج و توسعهٔ فرهنگ. درواقع اگر ما روش زندگی گروهی از مردم را به‌عنوان روندی که آن گروه خاص را به بلوغ رسانده است، به گروه دیگری انتقال دهیم، از طریق دیپلماسی فرهنگی ایجاد آگاهی کرده‌ایم. بنابراین استفاده دیپلماتیک از ابزار فرهنگ در پیشبرد منافع تجاری، سیاسی و راهبردی یک کشور، دیپلماسی فرهنگی نام دارد» (امینی و انعامی علمداری، ۱۳۹۱). از منظر قدرت نرم جوزف نای، چنین بازنمایی‌هایی بخشی از منبع فرهنگی و ارزش‌های سیاسی هستند که به‌شرط همخوانی با رفتار واقعی حکومت، می‌توانند جذابیت و اثرگذاری پایدار ایجاد کنند. مدل عملیاتی این پژوهش، در چارچوب نظری نای، مبتنی بر تحلیل دو دسته نشانه است: نشانه‌های اشیاء و عناصر مادی: شامل پوشاک فاخر، ظروف، سلاح‌ها، هدایا و نمادهای تجمل که رفاه و منابع فرهنگی- اقتصادی را نمایش می‌دهند. این موارد بازتاب‌دهندهٔ منبع فرهنگی قدرت نرم به تعبیر نای هستند. نشانه‌های فضا و چیدمان: شامل ترکیب‌بندی صحنه‌ها، جایگاه شخصیت‌ها و سازمان فضایی که القاکنندهٔ نظم، اقتدار و شکوه هستند. این جنبه‌ها با تأکید نای بر مشروعیت و جذابیت از طریق تصویرسازی هماهنگ است. ترکیب این دو دسته نشانه با نظریهٔ نای، امکان استخراج معنا در بستر فرهنگی- سیاسی صفوی را فراهم می‌آورد؛ معناهایی که نه صرفاً در سطح زیبایی‌شناسی، بلکه در خدمت تقویت جذابیت و نفوذ سیاسی از طریق هنر قرار می‌گیرند. بدین ترتیب چارچوب نظری حاضر، پیوندی مستحکم میان فرم هنری، محتوای نمادین و کارکرد دیپلماتیک ایجاد می‌کند.

کاخ چهل‌ستون در دورهٔ صفوی

عصر صفوی (۱۱۳۵-۹۰۷هـ.ق) به‌دلیل قدرت سیاسی دولت و استحکام پایه‌های آن، یکی از دوره‌های ماندگار و برجسته تاریخ ایران در دورهٔ اسلامی به‌شمار می‌رود. با تحولات صورت گرفته در مناسبات جهانی و روابط بین‌الملل، ارتباطات ایران و اروپا شکل جدیدی پیدا کرد که ازجمله پیامدهای آن رفت و آمد سفیران خارجی به ایران بود. در دورهٔ شاه‌عباس به‌دلیل ضرورت و به‌منظور تزیین عمارت‌های عمومی و خصوصی، همچنین با استقرار ارمنیان در جلفای نو و برقراری ارتباط بیشتر با اروپاییان؛ توجه به هنر رونق بی‌سابقه‌ای یافت (پاکباز، ۱۳۹۶، ۱۳۲). در نتیجه، عصر صفوی دوره‌ای از تمرکزگرایی سیاسی شدید و پالایش فرهنگی بود، زمانی که معماری درباری و برنامه‌های تزئینی به‌عنوان ابزارهای مهم اعمال قدرت و اشاعهٔ ایدئولوژی سلطنتی عمل می‌کردند. در این بستر، کاخ چهل‌ستون در اصفهان که به‌دستور شاه‌عباس اول بنیاد نهاده شد، بزرگ‌ترین بنای سلطنتی دولت صفوی در اصفهان محل دیدار نمایندگان خارجی و برگزاری جشن‌های بزرگ بود (معاذالهی و صابر، ۱۴۰۲). «شاردن» در

سفرنامه خود به‌حضور سفیران در کاخ چهل‌ستون اشاره می‌کند (شاردن، ۱۳۳۶، ۱۲۸۸). همچنین، «اسکندر بیک ترکمان» به توضیح آیین‌های بار عام دولت صفوی و آمدن ایلچی پادشاه روس به دربار صفوی می‌پردازد (بیک ترکمان و مورخ، ۱۳۱۷، ۱۸۸). «دلاواله» نیز به عمارت‌های باشکوه صفوی در اصفهان و قصر شاهی که شاه میزبان سفیران خارجی و مهمانان بود و ضیافت‌ها در آن برگزار می‌شد، اشاره می‌کند. او عمارت چهل‌ستون را نشان‌دهندهٔ عظمت و قدرت شاه صفوی توصیف می‌کند؛ جایی که هیچ‌کس حق ندارد از اطراف آن عبور کند یا داخل آن شود (دلاواله، ۱۳۷۰، ۴۳). سازمان فضایی کاخ به‌گونه‌ای طراحی‌شده بود که مسیر حرکت مهمانان، از بخش‌های نیمه‌خصوصی تا تالار آینه و تالار اصلی بار عام، به‌نحوی هدفمند شکوه سلطنت را نمایش دهد. تالار آینه دارای بیشترین هم‌پیوندی و نفوذپذیری و اتاق وزرا و درباریان دارای بیشترین عمق باشد (مهدی‌پور و سهیلی، ۱۴۰۱)؛ چینشی که مسیر مهمانان تا تالار مرکزی را به‌صورت نمایش شکوه سلطنت هدایت می‌کرد. تالار اصلی با دیوارنگاره‌های عظیم مجالس ضیافت، نبردها و صحنه‌های تفریح سلطنتی، نخستین عنصری بود که توجه تازه‌واردان را جلب می‌کرد. سیاحان اروپایی، ازجمله شاردن، پس از مرگ شاه‌عباس دوم، از مسیر باغی طولانی وارد کاخ می‌شدند. پس از ورود به بخش پذیرایی، مهمانان و صاحب‌منصبان را می‌یافتند که گرداگرد تالار بار عام نشسته بودند. جایگاه ویژه شاه نیز به‌واسطهٔ موقعیتش درست رو به روی مدخل ورودی مشخص بود (Babaie, 1994). ترکیب این معماری هدفمند، تشریفات پر زرق و برق و مضامین بزمی- رزمی، کاخ چهل‌ستون را به رسانه‌ای تصویری بدل کرد که قدرت نرم صفویان را از طریق نمایش فرهنگ، رفاه و اقتدار به مخاطبان داخلی و سفرای خارجی منتقل می‌کرد.

بازنمایی قدرت نرم در دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون بر اساس نظریهٔ جوزف نای

در دیوارنگاره «پذیرایی شاه‌تهماسب از همایون، پادشاه هند» (تصویر ۱)، شاه‌تهماسب صفوی و همایون در مرکز اثر و بر سکوی سبزرنگی تصویر شده‌اند. در دو سوی آن‌ها، صفی منظم از درباریان، همراهان و خدمتگزاران دیده می‌شود که برخی جام‌های زرین و ظروف نفیس را حمل می‌کنند. نوازندگان با سازهای کوبه‌ای و زهی و رقصندگان با لباس‌های پرنقش و رنگ، در پیش‌زمینه، فضای مجلس را به‌شکلی آیینی، موزون و باشکوه تبدیل کرده‌اند. پس‌زمینه اثر، از میان طاق‌نماهای بلند تالار، چشم‌اندازی از باغ ایرانی با جوی‌های مستقیم، درختان منظم و آسمان صاف را آشکار می‌سازد؛ فضایی که با معماری کاخ در امتداد محورهای باغ، ترکیبی هماهنگ و باشکوه ایجاد کرده است.



تصویر ۱. پذیرایی شاه‌تهماسب از همایون، پادشاه هند.
منبع: آقاجانی اصفهانی و جوانی، ۱۳۸۶، ۷۱.

معنای مستقیم این اثر، نمایش آیین رسمی پذیرایی از یک پادشاه خارجی در بالاترین سطح تشریفات است که تجسمی از شأن سلطنت و روابط دوستانه میان دو قدرت منطقه‌ای ارائه می‌دهد. صف‌آرایی رسمی، چینش متقارن شخصیت‌ها و حضور عناصر بزم، پیام‌آور احترام متقابل همراه با برتری میزبان است. این تصویر نمونه‌ای از مجالسی است که با ساماندهی دقیق عناصر بصری و رفتاری، شکوه دربار را همراه با انسجام اجتماعی و هماهنگی سیاسی به نمایش می‌گذارد و از این طریق به تقویت گفتمان مشروعیت در ساخت قدرت صفویان کمک می‌کند. دلالت ثانویه این دیوارنگاره با سه منبع اصلی قدرت نرم در چارچوب نظریهٔ نای گره می‌خورد و از قالب تصویر به عرصه گفتمان سیاسی و فرهنگی صفویان منتقل می‌شود. از منظر سیاست مشروعیت، جایگاه مرکزی شاه‌تهماسب، چینش متقارن افراد، فاصله سنجیده همایون از میزبان و احاطهٔ آن‌ها توسط جمعی از همراهان و خدمه، منظری از اقتدار بی‌رقیب خلق می‌کند که برای مخاطب داخلی به‌معنای ثبات و استمرار قدرت سلطنتی است و برای ناظر خارجی، تصویری از ایران به‌عنوان دولتی سازمان‌یافته، مقتدر، امن و صاحب فرهنگ ارائه می‌دهد. در بُعد ارزش‌های سیاسی، این مجلس پذیرایی نه‌تنها ملاقات دوستانه، بلکه الگویی از مدیریت روابط دیپلماتیک در بالاترین سطح را نشان می‌دهد که احترام متقابل را با نمایش نظم، شکوه و قابلیت هماهنگی میان دو قدرت منطقه‌ای تلفیق کرده است. در حوزهٔ جاذبهٔ فرهنگی، ترکیب رنگ‌های زنده و متوازن، استفاده از پارچه‌های زربافت با نقوش گل‌وبته، حضور معماری اصیل ایرانی با طاق‌نماهای مشرف به باغ، چیدمان سنجیده و کارکرد تالار و اجرای موسیقی و رقص همراه با پذیرایی با ظروف زرین و بلور، فضایی ایجاد می‌کند که خشونت و رقابت سیاسی را به اتحاد و همگرایی فرهنگی بدل می‌سازد. درواقع بازنمایی رفاه، وفور منابع و شکوفایی اقتصادی در قاب تصویر، در خدمت تثبیت اقتدار و جاذبه دربار صفوی قرارگرفته است. در نتیجه، این دیوارنگاره به‌شیوه‌ای غیرمستقیم، قدرت نرم صفویان را در سه لایه روشن می‌سازد: مشروعیت سیاسی از طریق نمایش آیین سلطنتی، جاذبه فرهنگی از رهگذر هنر و زیبایی‌شناسی و سیاست جذب از طریق برقراری روابط و اتحاد با پادشاه هند. بدین ترتیب، دیوارنگاره نه‌تنها یک تصویر تاریخی، بلکه رسانه‌ای تصویری برای متقاعدسازی و جذب است که در چارچوب نظریهٔ قدرت نرم نای، بهره‌گیری ماهرانه از منابع فرهنگی و سیاسی برای نفوذ بدون اجبار را نمایان می‌کند.



تصویر ۲. مجلس پذیرایی شاه‌عباس دوم از ندر محمدخان ازبک. منبع: آقاجانی اصفهانی و جوانی، ۱۳۸۶، ۷۲.

در دیوارنگارهٔ «مجلس پذیرایی شاه‌عباس دوم از ندر محمدخان، پادشاه ترکستان» (تصویر ۲)، شاه‌عباس دوم در مرکز صحنه و بر سکویی وسیع آراسته به قالی‌های نفیس و ظروف ارزشمند، نشسته است. در سمت راست او، ندر محمدخان با پوشش سنتی و فاخر خود حضور دارد. پیرامون این دو، صفی فشرده و منظم از درباریان و مهمانان خارجی دیده می‌شود که به‌شکل متقارن در دو جناح نشسته یا ایستاده‌اند. پیش‌زمینهٔ اثر، سرشار از جزئیات بزم است؛ نوازندگان با سازهایی که در دست دارند، رقصندگان با لباس‌های پرنقش تصویر شده‌اند و خدمتکاران جام‌ها، پارچ‌ها و سینی‌های پر از خوراک و میوه را حمل می‌کنند. این تنوع و هماهنگی عناصر، مراسم را به آیینی موزون، باشکوه و دقیق بدل کرده است. پس‌زمینهٔ دیوارنگاره، فضای داخلی کاخ را بازنمایی می‌کند؛ دیوارنگاره در قابی با نقوش گل‌وبوته قرارگرفته که این طراحی تضادی ظریف میان فضای شلوغ و پر جزئیات مجلس با نظم تزئینی قاب ایجاد می‌کند. این چارچوب گل‌وبته‌ای، نقش مرز بصری را ایفا کرده و نگاه بیننده را از فضای بزم درون قاب به‌سمت مرکزیت شاه و مهمان خارجی هدایت می‌کند. معنای مستقیم این صحنه، نمایش یک آیین رسمی پذیرایی در سطحی بی‌مانند از تشریفات دیپلماتیک است. چینش دقیق افراد، استفاده سنجیده از فضا و هماهنگی حرکات خدمتکاران، نوازندگان و رقصندگان، نشانه‌ای از نظم نهادینه، احترام و نقش‌پذیری درباریان است که کارآمدی دستگاه سلطنتی را القا می‌کند. این نمایش، هم‌زمان شأن و جایگاه شاه را تثبیت کرده و توانایی صفویان در مدیریت مناسبات بین‌المللی را بازتاب می‌دهد. تفاوت در چهره‌پردازی، لباس‌ها و جایگاه نشستن افراد، حکایت از جایگاه طبقاتی و هویت فرهنگی هر یک دارد و نشان می‌دهد که این مراسم، علاوه بر روابط رسمی، فرصت بروز تمایزات هویتی نیز بوده است. دلالت ثانویه اثر را می‌توان در چارچوب نظریهٔ «قدرت نرم» جوزف نای تبیین کرد. نای سه منبع اصلی این قدرت را «فرهنگ»، «ارزش‌های سیاسی» و «سیاست‌ها» می‌داند که از طریق جاذبه و اقناع، بدون اجبار، مخاطب را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این دیوارنگاره، مشروعیت سیاسی از طریق حضور مقتدرانه و مرکزی شاه‌عباس و جایگاه سنجیده ندر محمدخان، همراه با احاطه آن‌ها توسط حلقه‌ای از همراهان، بازنمایی شده است؛ تصویری که برای مخاطب داخلی نماد ثبات ساختار قدرت و برای بینندهٔ خارجی نماد اقتدار و استواری دیپلماسی است. ارزش‌های سیاسی با نمایش نظمی دقیق در چینش مجلس، حرکات سنجیده خدمتکاران و ادغام عناصر فرهنگی میزبان و مهمان منتقل می‌شود و پیام احترام و هماهنگی را به مخاطب می‌رساند. جاذبهٔ فرهنگی نیز در رنگ‌های زنده و هماهنگ لباس‌ها، پارچه‌های زربافت، آلات موسیقی و تزئینات کاخ، بازنمایی می‌شود و بزم را به عرصه‌ای بدل می‌کند که رقابت سیاسی را به همگرایی فرهنگی تبدیل می‌کند. این تصویر، با بهره‌گیری از سیاست نمایش شکوه و وفور، نمونه‌ای بصری از کاربرد هوشمندانه منابع فرهنگی و

سیاسی در مسیر جذب و نفوذ غیرمستقیم است؛ فرآیندی که نای آن را توانایی شکل دادن به ترجیحات دیگران از طریق جاذبه و اقناع، نه اجبار می‌خواند و تأکید دارد که چنین توانایی تنها زمانی پایدار است که فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی در یک روایت منسجم و ملموس برای مخاطب تجسم یابند (Nye, 2004, 11-14).



تصویر ۳. نبرد مرو بین شاه‌اسماعیل اول و شیبک‌خان ازبک. منبع: آقاجانی اصفهانی و جوانی، ۱۳۸۶، ۷۲.

در دیوارنگاره «نبرد مرو بین شاه اسماعیل اول و شیبک‌خان ازبک» (تصویر ۳)، صحنه‌ای پرتحرک و چندلایه از نبردی تاریخی به‌چشم می‌خورد. ترکیب‌بندی اثر بر محور شاه اسماعیل صفوی بنا شده است؛ او سوار بر اسب سفید و با کلاه‌خود شاخص، در مرکز دیوارنگاره قرار دارد. در جناح مقابل، شیبک‌خان ازبک سوار بر اسب قهوه‌ای دیده می‌شود که در حال رویارویی مستقیم با شاه است. پیکره‌ها در دو سطح عمودی و افقی توزیع شده‌اند: بخش فوقانی، صفوف فشرده نیروهای صفوی و ازبک را در میان کوه و درختان نشان می‌دهد و بخش تحتانی، به نبرد تن‌به‌تن و درگیری‌های خونین اختصاص دارد. لباس‌ها و زره‌های رنگارنگ، اسب‌های چالاک و سلاح‌های متنوع (شمشیر، نیزه و گرز) همراه با حرکات پویا، ریتم بصری صحنه و حس اضطرار را تقویت می‌کنند. معنای مستقیم اثر، بازنمایی لحظهٔ اوج رویارویی دو فرمانده و نیروهای‌شان است. محوریت تصویری شاه اسماعیل، همراه با تفوق بصری جایگاه او -اسب روشن، لباس پرنقش، موقعیت بالاتر در دیوارنگاره- نشانه‌ای از برتری و حتی پیش‌بینی پیروزی است. تراکم نیروها، تعدد سلاح‌ها و جسارت حرکات، صحنه را به‌میدان واقعی جنگ نزدیک می‌کند. در این سطح، تصویر دیوارنگاره گزارشی آیینی- تاریخی از یک نبرد تعیین‌کننده است که نقش بنیادین در تثبیت حکومت صفوی داشت. معنای ثانویه دیوارنگارهٔ نبرد مرو، با بهره‌گیری از رنگ‌های پرمایه و متضاد، پوشش‌های فاخر و زره‌هایی با نقش‌مایه‌های برگرفته از سنت نگارگری ایرانی، صحنهٔ رویارویی شاه‌اسماعیل اول و شیبک‌خان ازبک را از سطح صرفاً نظامی به یک روایت حماسی- نمادین ارتقا می‌دهد. این ترکیب بصری نه‌تنها زیبایی‌شناسی ایرانی و حافظهٔ تاریخی جنگ‌ها را برای مخاطبان داخلی و خارجی آشکار می‌سازد، بلکه به تعبیر جوزف نای، فرهنگ را به ابزاری برای اقناع و الهام بدل می‌سازد. در دل این بیان هنری، جایگاه محوری شاه اسماعیل در مرکز ترکیب‌بندی و تمرکز نیروها، بازنمایی عینی اقتدار، ثبات و مشروعیت سیاسی در نظام تازه تأسیس صفوی است. وفاداری سپاهیان، انسجام صفوف و آمادگی برای ایثار، تصویری از رهبری فره‌مند و وحدت سیاسی ارائه می‌کند؛ مؤلفه‌هایی که نای آن‌ها را از ارکان قدرت نرم می‌داند، زیرا اعتماد و پذیرش داوطلبانه را در میان مخاطبان تقویت می‌کنند. افزون بر این، تصویرسازی پیروزی بر یک قدرت خارجی مهم، در اینجا شیبک‌خان ازبک، فراتر از ثبت

یک رویداد تاریخی عمل می‌کند و پیامی راهبردی به‌فضای بین‌المللی می‌فرستد؛ پیامی که توان بازدارندگی، ظرفیت دفاعی و آمادگی برای حفاظت از قلمرو در برابر تهدیدات بیرونی را نمایان می‌سازد. چنین صحنه‌ای، به تعبیر نای، نمونه‌ای از سیاست خارجی هوشمندانه است که می‌تواند مجموعه‌ای از پیام‌های اعتماد، امنیت و همکاری را به مخاطبان منطقه‌ای و جهانی منتقل کند. در نتیجه، این اثر هنری با تلفیق شکوه فرهنگی، انسجام سیاسی و نمایش توان دفاعی، همان فرآیند شکل‌دهی به ترجیحات دیگران از طریق جذابیت و اعتبار را محقق می‌سازد و دیوارنگاره را به رسانه‌ای مؤثر برای تثبیت و گسترش گفتمان قدرت نرم صفوی تبدیل می‌کند.

بحث پیش از نتیجه‌گیری

در سه دیوارنگارهٔ شاخص کاخ چهل‌ستون، چیدمان عناصر دیداری، جایگاه پیکره‌ها، پوشش‌ها، اشیاء و فضای پیرامون، به‌طور هم‌زمان حامل معنا و نمایانگر اقتدار صفوی هستند. این عناصر در کنار یکدیگر، نظامی یکپارچه از پیام‌های تاریخی و سیاسی را شکل می‌دهند که با منابع اصلی قدرت نرم در نظریهٔ جوزف نای -شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست‌های خارجی- هم‌پوشانی دارند. در این تحلیل، توصیف و تفسیر عناصر بصری همراه با تحلیل فضایی صحنه که بیشترین ظرفیت تبیین این سه منبع را دارند، شناسایی و با زمینهٔ تاریخی و کارکرد ایدئولوژیک آن‌ها تطبیق داده شده‌اند؛ نشانه‌هایی که قادرند هم لایه‌های زیبایی‌شناختی و فرهنگی اثر و هم پیام‌های سیاسی و دیپلماتیک آن را منتقل کنند. جدول زیر خلاصه این یافته‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۱. یافته‌های سه دیوارنگارهٔ صفوی بر اساس مؤلفه‌های فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و سیاست خارجی در نظریهٔ قدرت نرم نای. منبع: نگارندگان.

تصویر	فرهنگ	ارزش‌های سیاسی	سیاست‌های خارجی
	آیین بزم و معماری باغ، بازتاب شکوفایی و همگرایی فرهنگی صفوی.	صف‌آرایی منظم و جایگاه مرکزی شاه، تصویرگر مشروعیت و انسجام سلطنتی.	پذیرایی تشریفاتی به‌عنوان ابزار دیپلماسی جذب و تثبیت اتحاد.
	وفور نمادین در پوشش و موسیقی، نماد شکوه هنری و اقتصادی.	نظم و ترکیب‌بندی دقیق، القای کارآمدی و اقتدار دستگاه سلطنت.	نمایش شکوه به‌مثابهٔ پیام اعتماد و ظرفیت دیپلماسی.

تصویر	فرهنگ	ارزش‌های سیاسی	سیاست‌های خارجی
	روایت حماسی با زیبایی‌شناسی ایرانی، تثبیت هویت فرهنگی جنگ.	تمرکز صفوف و محوریت شاه اسماعیل، مشروعیت رهبری فره‌مند.	تصویر پیروزی به‌عنوان پیام بازدارندگی و قدرت دفاعی.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تمرکز بر سه دیوارنگارهٔ شاخص دورهٔ صفوی شامل «پذیرایی شاه‌تهماسب از همایون، پادشاه هند»، «پذیرایی شاه‌عباس دوم از ندر محمدخان، پادشاه ترکستان» و «نبرد مرو بین شاه‌اسماعیل اول و شیبک‌خان ازبک» و با اتکا بر چارچوب نظریهٔ قدرت نرم جوزف نای، مدلی منسجم از بازنمایی قدرت در هنر تصویری صفویان ارائه می‌دهد. روند تحلیل، از واکاوی عناصر دیداری و فضایی تا شناسایی کارکردهای نمادین و راهبردی، نشان می‌دهد که این آثار نه‌تنها روایتگر رویدادهای تاریخی، بلکه ابزارهای هدفمند برای شکل‌دهی به ادراکات بوده‌اند. در ُبعد فرهنگی، تلفیق آیین‌مندی، نمادهای پوشش و عناصر موسیقایی، جاذبهٔ هنری و شکوفایی فرهنگی را به عاملی مؤثر در جذب و اقناع بدل می‌سازد. در سطح ارزش‌های سیاسی، جایگاه محوری شاه و آرایش منظم پیکره‌ها، اقتدار نمایشی و مشروعیت فره‌مند سلطنت را به مخاطب القا می‌کند. مؤلفه سیاست خارجی نیز از رهگذر شکوه تشریفات در مجالس رسمی و تصویر پیروزی در صحنه‌های رزمی، پیام‌هایی چون اعتماد، اتحاد و بازدارندگی را منتقل کرده و هنر را به سازوکار دیپلماسی فرهنگی تبدیل می‌سازد. برآیند این سه مؤلفه، الگویی هم‌افزا از قدرت نرم صفوی را آشکار می‌کند؛ الگویی که در آن ترکیب جاذبهٔ فرهنگی، انسجام سیاسی و راهبردهای ارتباطی، تصویری هم‌زمان جذاب و مقتدر از حاکمیت صفوی در ذهن مخاطبان داخلی و خارجی تثبیت می‌کند. این رویکرد، در چارچوب تحلیل دیوارنگاره‌های کاخ چهل‌ستون، ابعاد تازه‌ای از کارکردهای فرهنگی و سیاسی این آثار را روشن می‌سازد. نوآوری پژوهش حاضر در ترسیم مدلی منسجم با مسیر تحلیلی مشخص به‌منظور نشان دادن چگونگی پیوند راهبردی میان فرهنگ، سیاست و تصویر در یک بافت تاریخی معین است.

مشارکت‌های نویسنده

این مقاله حاصل همکاری مشترک نویسندگان است و مشارکت هر یک به شرح زیر می‌باشد: نگارنده اول مسئولیت طراحی پژوهش، گردآوری داده‌ها، تحلیل یافته‌ها و نگارش متن اصلی مقاله را بر عهده داشته است؛ و نگارنده دوم عهده‌دار نظارت علمی بر روند پژوهش، بازبینی محتوایی و تأیید نهایی مقاله بوده است.

تقدیر و تشکر

این مقاله فاقد تشکر و قدردانی است.

تضاد منافع

نویسنده (نویسندگان) هیچ تضاد منافع احتمالی پیرامون تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله را اعلام نکردند.

منابع مالی

نویسنده (نویسندگان) هیچ گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

پی‌نوشت

1. Joseph Samuel Nye Jr.

منابع

- امینی، آرمین و انعامی علمداری، سهراب. (۱۳۹۱). جهانی‌شدن فرهنگ و کارکرد دیپلماسی فرهنگی در سیاست خارجی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۱(۶۵)، ۳۹۳-۴۱۳.

- آقاجانی اصفهانی، حسین و جوانی، اصغر. (۱۳۸۶). *دیوارنگاری عصر صفوی در اصفهان کاخ چهل‌ستون*. فرهنگستان هنر.

- بیک ترکمان، اسکندر و مورخ، محمدیوسف. (۱۳۱۷). *تاریخ عالم‌آرای عباسی* (تصحیح سهیلی خوانساری). کتابفروشی اسلامیه.

- پاکباز، رویین. (۱۳۹۶). *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*. زرین و سیمین.

- دلاواله، پیترو. (۱۳۷۰). *سفرنامه پیترو دلاواله قسمت مربوط به ایران* (ترجمه شعاع الدین شفا). شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

- شاردن، ژان. (۱۳۳۶). *سفرنامه شاردن* (ترجمه محمد عباسی). مؤسسه مطبوعاتی امیرکبیر.

- معاذالهی، بتول و صابر، زینب. (۱۴۰۲). واکاوی مضامین پنهان مجالس بزم در دیوارنگاره‌های کوچک تالار مرکزی کاخ چهل‌ستون. *هنرهای زیبا- هنرهای تجسمی*، ۲۸(۴)، ۱۵۵-۱۴۳.
https://doi.org/10.22059/jfava.2023.358795.667113

- مهدی‌پور، سودابه و سهیلی، جمال‌الدین. (۱۴۰۱). تحلیل روابط اجتماعی در معماری دیپلماتیک دورهٔ صفوی بر اساس رویکرد نحو فضا؛ مطالعه موردی: کاخ چهل‌ستون شهر اصفهان. *فضای زیست*، ۲(۴)، ۱۱۱-۱۲۸.

- نوری، سونیا، محمدزاده، مهدی، عباس‌زاده، محمد و وندشعاری، علی. (۱۴۰۲). شناسایی مؤلفه‌های اعمال قدرت در نگاره‌های باغی دورهٔ صفوی. *هنرهای صناعی اسلامی*، ۷(۲)، ۱۰۵-۱۱۸.10.52547/jic.7.2.161

- Al-mhanawi, M. T., & Razawa, D. M. R. (2023). Visual Arts as a Soft Power Influencing the Formulation of Concepts of Peace and Coexistence. *European Scholar Journal*, 4(6), 53-62.

- Babaie, S. (1994). Shah Abbas II, the conquest of Qandahar, the Chihil Sutun, and its wall paintings. *Muqarnas*, 11, 125-142. https://doi.org/10.2307/1523200

- Canby, S. R. (2009). *Shah ‘Abbas: The remaking of Iran*. British Museum Press.

- Hoogwaerts, L. (2016). Museums, exchanges, and their contribution to Joseph Nye’s concept of ‘soft power’. *Museum and Society*, 14(2), 313-322. https://doi.org/10.29311/mas.v14i2.640

- Nye, J. S., Jr. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs.